

آریانا

شماره دوازدهم

اول جدی ۱۳۲۸

سال هفتم

تاریخ نشر و تعهیم قرآن کریم

این مقاله فصل سوم کتابی است که
ایشان تحت عنوان قرآن چیست ترجمه
و بهیوانز سیرده ام «مترجم»

قرآن، مجموعه آن فرمایشات کرانبهای الهی است که در ظرف ۲۳ سال به حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم وحی فرموده شده است. اگر چه در اینکه خداوند (ج) حافظ و نگهبان ابدی قرآن مجید میباشد، شک و شبهه وجود ندارد مع هذا مسلمین بتائید این اراده خداوندی بر حسب ارشادات حضرت رسول کریم (ص) بمنظور حفظ قرآن در تمام احوال و در هر مکانی نوشتن و دیگری از بر کردن.

رسال جامع علوم انسانی

حفاظ:

باین اساس یعنی از بر نمودن آیات مبارکه قرآنی تعداد حفاظ روز بروز افزون گردید بعدی که در زمان خلافت حضرت (ابابکر صدیق رض) هنگام محاربه بار تعدادیون در میان شهدای میدان محاربه ۷۰ نفر از حفاظ احصاء شده بودند.

این احصائیه سنکین تلفات حفاظ در واقع برای مسلمین صدمه بزرگی گفته می شد. زیرا این شخصیت های عالیقدر که قلب و دماغ شان کنجینه و اطوار و حرکات شان افاده معانی قرآن محسوب میگردد، در نشر آئین مقدس اسلام یکی از مهمترین عوامل بشمار میرفتند. ایشان بقدری متقی و پرهیز کار

بودند که وقتیکه ده آیه قرآن کریم را حفظ می نمودند پیش از فهم به معنی و تطبیق اساسات آن درزندگانی خود به حفظ آیات دیگری جرئت نمیگرداند.
تدوین قرآن :

پیشقدم اشخاصی که به تدوین قرآن مجید پرداخته اند حضرت عثمان (رض) و حضرت علی (رض) میباشند.

حضرت ابابکر صدیق (رض) نیز گاه گاه با انجام این وظیفه مهم صرف مساعی نموده اند. علاوه بر بعضی شخصیت های محترم دیگر از اصحاب کرام رض نیز در انجام این فریضه مذهبی سهم گرفته اند و برخی هم نبر کس آیات چند ی را نوشته و نزد خود میداشتند.

قرآن در يك جلد :

قرآن کریم در حال حیات حضرت رسول مقبول (ص) کما ملاً نحر بر تصنیف و ترتیب شده بود و چندی بعد از رحلت آنحضرت بحال يك جلد در آورده شد. زیرا اکثر اتلاف حفاظ در محاربه (بمعامه) و تخمین تلف شدن ایشان در دیگر غزوات و امکان ضیاع يك قسمت از قرآن عظیم الشان حضرت عمر (رض) را خاطر نگران ساخته و لهذا برای جلوگیری از وقوع چنین امری به حضرت ابوبکر صدیق (رض) پیشنهاد کردند که باید قرآن را مجید بحال يك جلد در آورده شود حضرت ابابکر (رض) این پیشنهاد را نائید و اکمال آن را به (زید بن ثابت رض) کتاب وحی حواله نمود و آن صحابه بزرگوار قرآن را بحال يك جلد جمع و تدوین فرمود.

نشر قرآن در زمان حضرت عمر (رض) :
 در زمان خلافت حضرت عمر (رض) نشر و تعمیم قرآن انکشاف زیادی یافت. حضرت عمر (رض) شخصاً در اجتماعات عمومی شرکت کرده برای مردم قرآن می خواندند و مشکلات شانرا حل می نمودند.
 گذشته ازین برای تعلیم و انتشار قرآن معلمین و قارئین تعیین و معاش از برای شان تخصیص داده بودند و مخصوصاً برای بدویها آموختن قرآن اجباری

بحساب میرفت. (ابوسفیان) وظیفه داشت که امتحان قرآن را از قبایل عرب گرفته و بکسانیکه ساعی نبودند جزا بدهد.

حضرت عمر (رض) کسانی را هم که جد بیداً بدین اسلام مشرف می شدند فراموش نکرد و جهت تعلیم قرآن به آنها معلمین لایق تعیین و فرستاده می شد چنانچه در بد و امر سه نفر از اصحاب جهت تعلیم قرآن به کشور سور به اعزام شده بودند. این معلمین بر علاوه تدریس قرآن به مردم حمص، شام و فلسطین دروس دینی هم میدادند. افراد اردوهای اسلامی نیز خارج این موضوع نبوده و صاحب منصبان ایشان وظیفه داشتند که افراد زیر دست و حکم خود را به آموختن قرآن مجید دلائل گنند و از ظرفی هیچ یک از اردوهای اسلامی بدون حفاظ نمی بود چنانچه آنها در اردوی (سعد بن ابی وقاص رض) فاتح کشور ایران ۳۰۰ نفر حفاظ قرآن وجود داشتند.

علاوتاً دروس راجع به سبک تلفظ و اعراب قرآن نیز داده می شد و حضرت عمر (رض) برای تفهیم درست و صحیح قرآن تحصیل صرف و نحو و ادبیات را مجبوری قرار داده بودند و به اینصورت مردم اغلاط خود را میبختند و تصحیح کنند. شاه ولی الله مترجم قرآن به اردو و ساعی حضرت عمر (رض) را در راه تعمیم تعلیم و محافظه قرآن به این جملات خلاصه می کند که:

«امروز هر فرد مسلمان و قاری قرآن شکران و منت گذاری بلا نهایت را به حضرت عمر رض مدیون است.» (۱)

نخستین جلد قرآن :

اگر چه قرآن مجید پیش از آنکه در حال يك جلد بهر گوشه و کنار پرتو افکنده بود مع هذا با جمع و ترتیب نمودن آن بحال يك جلد بر علاوه جلو گیری از تشتت آیات و سلسله آن خطر هر گونه تحریف و تبدیل نیز مرفوع گردید. نخستین جلد مدونه قرآن در نزد حضرت ابابکر (رض) مانده و بعد از ایشان به حضرت عمر فاروق رض انتقال کرد و حضرت عمر رض آنرا به حضرت حفصه رض زوجه

رسول مقبول (ص) تودیع نمودند. حضرت حفصه رضی فرآن را بایک عشق و محبت سرشار محافظه میگرداند تا آنکه در دوره خلافت حضرت عثمان غنی رضی این نسخه از نزد حضرت حفصه رضی اخذ و مستند به آن پنج و پرو ایتی ۷ نسخه استنساخ و بممالک اسلامی فرستاده شده است.

حضرت عثمان رضی در قرائت قرآن لهجه قریش را محافظه نمودند زیرا که حضرت محمد ص خرد باین لسان صحبت میفرمود و لذا حضرت عثمان رضی برای جلوگیری از وقوع هر نوع تحریف و اختلاف از دیگر قرائت ها صرف نظر کردند و از همین جهت تا امروز قرآن حتی در ممالکی که به عربی حرف نمیزنند هم بهمان یک لهجه باقی مانده و قرائت میشود.

حضرت خلیفه سوم در بنامورد سعی بلیغی بخریج داده حتی نسخه های نامرئی را که نزد بعضی از اصحاب وجود داشت نظر به گفته (حافظ ابن حجر عسقلانی) جمع و از بین بردند تا مبادا تعمیم آن نسخه های نامرئی موجب اختلافاتی بشود. علتیکه حضرت عثمان رضی را به تعقیب این خط مشی سابق گردیده هما تا اختلاف قرائت قرآن مجید بین مسلمین از منسجم و سوره میباید لهذا برای مانع شدن از ترویج قرائت های مختلف و نشر و تعمیم یک قرائت متین و آهنگدار اختیار چنین رویه لابدی بود.

نظر به شایعات عمومی جامع ومدون قرآن حضرت عثمان رضی نیست و تنها ایشان در راه گذاشتن سوره ها بشکل موجوده و ضمناً در رفع اختلاف و تحریف خدمت شایانی انجام داده اند و نظر بهمین مساعی ایشان است که امروز بعد از گذشتن ۱۳ قرن و نیم باز هم قرآن کریم را با تمامیت آن و بهمان رنگی که در زمان حضرت ابابکر صدیق رضی جمع گردیده بود در محضر خویش می باسیم.

نسخه های استنساخ شده :

یکی از نسخه های استنساخ شده در دوره حضرت عثمان (رضی) با امر خود ایشان در مدینه منوره حفظ شده و نسخه های دیگر به مکه معظمه سوره به یمن بحرین بصره و کوفه توزیع شده بود.

حضرت مولانا شبلی نعمانی در اثر معنون به (تهذیب الاخلاق) خود مینویسد:
 «ابوالقاسم السبکی در سنه ۶۵۷ هجری قرآنی را که از طرف حضرت عثمان رض
 به سور به فرستاده شده بود در جامع شام دیده است. عبدالملک نیز ادعای کند که
 در ۷۲۵ هجری این نسخه را دیده بود و کذا خودم نیز وقتی که عازم استانبول
 بودم یقین داشتم این نسخه محفوظ و موجود است.

بلاخره در دوره سلطان عبدالحمید هنگامی که جامع شام طعمه حریق شد
 این نسخه مبارک نیز از بین رفت.

نسخه که بعدینه منوره حفظ شده بود تا سنه ۷۳۰ هجری هم در آنجا بملاحظه
 رسیده و روی آن این سطور خوانده می شد: «این نسخه به همت جمعی از اصحاب
 رسول الله صلی الله علیه و سلم تحریر شده که اسمای ایشان زید بن ثابت، عبدالله بن
 زبیر و سعد بن العاص رض میباشند و در صفحه اخیر پشتی هم نام بعضی از اصحاب ثبت شده بود.
 نسخه که در مکه معظمه بود هم تا ۷۳۵ هجری وجود آن ثابت شده است.
 نسخه که به بصره فرستاده شده بود در یک تاریخ غیر معلوم به (قرطبه) و بعد توسط
 (عبدالمؤمن) با احتفالات زیاد به پایتخت انتقال یافته است. در سنه ۶۰۵ هجری
 اولاً (معتض بالله) و بعد (ابوالحسن) بر این نسخه صاحب شدند و بعد از فوت
 (ابوالحسن) این نسخه را به (پورتسکیز) پور تکال بردند از آنجا توسط یک
 تاجر هدیه گردیده و بشهر (فاس) آورده شد و در آنجا در خزانه دولت مدتها
 محفوظ مانده است.

نظر بر روایت دیگر نسخه آخر بن همان نسخه ایست که تا دم شهادت خود
 حضرت عثمان رض آنرا قرائت مینمود. امویها این نسخه را محافظه و هنگام
 فتح اسپانیا با خود بدانجا بردند. نسخه مزبور در زمان حاکمیت اسلام بر آن
 کشور به شهر (فاس) نقل داده شد و نظر بگفته این بطوطه این نسخه قرآن مجید
 حتی در قرن ۱۸ نیز با قطرات خشک خوبی که بر وی آن چسبیده بود دیده
 شده است. در سال ۱۹۰۴ ع همین نسخه بکبار از بخارا به ماسکو و بعدها مجدداً
 به بخارا نقل داده شده و هنگامی که در ۱۹۲۳ بلشویکها ترکستان روسی را فتح

کردند بار دیگر این نسخه به ماسکو انتقال یافته و بعد به اثر نشیبات مسلمان بخارا مجدداً اعاده گردیده است. گفته شده که این نسخه در زمان تیمور لنگ از طرف (ابوبکر الشاعی) بر مرقد شیخ عبیدالله گذاشته شده و از آنجا بدست بلشویکها افتاده بود.

علامه مقریزی در کتاب الخطط هنکامی که از مدرسه قاضی فاضل وزیر سلطان صلاح الدین ابوبی بحث میکند میگوید که یکی از نسخه های نسخ شده به امر حضرت عثمان (رض) در کتابخانه این مدرسه موجود و آنرا قاضی مذکور به (۲۰۰۰۰) مرار طلاهدیه کرده بود.

موسی جار الله عالم و متفکر بزرگ اسلام که بمن صفت استادی دارند وقت مراجعت من به ایشان در مورد این نسخه چنین معلومات دادند :

« این نسخه قرآن در سنه ۱۸۶۸ میلادی از مدرسه خواجه احرار حضرت عبیدالله واقع سمرقند بکتابخانه عمومی (پترسبورگ) منتقل و در سالهای انقلاب هماغا باقیماند. در سنه ۱۹۱۷ میلادی بعد از انقلاب کبیر روسیه توسط هیئت اجرائیه مسلمان بمعاونت حکومت این مصحف از کتابخانه (پترسبورگ) به شهر (اوف) انتقال یافت و در این کتابخانه مدت ۶ سال بماند. آنکاه با اثر مراجعه و اسرار شدید مسلمان نور کستان روسی این مصحف عظیم الشان تحت نظارت یک هیئت رسمی در یک واگون از (اوف) به تاشکند آورده شد و بدست شیخ السلام روسیه در سنه ۱۹۲۳ به مسلمان نور کستانی تسلیم گردید. حالا این نسخه معتبر در یکی از حجرهای جامع بیگلر بیگی تاشکند به موضوع نامعلومی محفوظ است و هم آن نسخه دیگر از قرآن مجید که از طرف حضرت عثمان (رض) به مدینه منوره فرستاده شده بود تاکنون بهر وضه مطهره محفوظ میباشد. حضرت علی (رض) و سالم مولی ابی حذیفه نیز متفقاً یک نسخه از قرآن مجید را استنساخ کرده اند که نسخه مذکور فعلاً در (مشهد علی رض) موجود است. چند صفحه دیگر از آن نسخه که خود حضرت خلیفه چهارم نوشته اند در جامع کبیر لاهور ضبط شده است.

نقطه‌ها و حرکات قرآن :

آن نسخه‌های قرآن که در زمان حضرت عثمان (رض) و به امر ایشان استنساخ شده بود ، نقطه‌ها و حرکات نداشت . اینموضوع در نخست برای اعراب که اکثراً قرآن مجید را از زبان رسول اکرم (ص) شنیده بودند ، مشکلاتی احرار از نسکرده و آنها بسهولت قرائت می‌کردند . اما وقتی که سائر ممالک غیر عرب بدین اسلام مشرف شدند طبعاً از لحاظ فقدان حرکات و نقاط بمشکلات نزرگی برخوردند . ازینجهت (ابو الاسود الدولی) نخستین مؤلف نحو عربی متوفی در سنه (۶۹) هجری این مسئله را مورد مذاقه قرار داده و قرآن را تخطیط کرد نظر به ادعای بعضی از مؤرخین این موضوع در زمان حضرت معاویه رض مورد توجه واقع شده ولی اکثریت مؤرخین میگویند که قرآن کریم در زمان عبدالملک بن مروان نقطه گذاری شده است .

در آوانیکه حجاج بن یوسف والی عراق و بصره بود درین دو نقطه تحصیل قرآن اهمیت بی نظیری داشت . زیرا حجاج در عین اینکه به ظلم و قساوت شهرت دارد ، حائز یک صفت فراموش ناشدنی بود که آن عبارت از عشق و علاقه سرشار او به قرآن است .

همینکه حجاج احساس کرد مسئله‌های غیر عرب در خواندن قرآن بدون نقطه بمشکلات مقابل میشوند امر داد تا تمام نسخه‌های موجود نقطه گذاری و هم نسخه‌های متعدد دیگر استنساخ و بعد از نقطه گذاری بممالک جدید اسلام ارسال گردد ، علاوه‌آ محبت و وابستگی حجاج بقرآن ازین ثابت می‌گردد که تمام مایملک او دردم احتضار ببارت از چند یول سیاه بکته‌مداد سلحه و یک نسخه از قرآن مجید بود . بنا بریک روایت حجاج هدایت داده بود که حرکات بشکل حرف صائت گذاشته شود اما خلیل بن احمد متوفی در ۱۷۰ هجری این ترتیب را خالی از نقصان نیافته و آنرا بحرکات و سکنات موجوده تعدیل کرد .

قرآن و امویها :

در مورد تعلیم و تمهیم قرآن امویها خدمات قیمتنداری انجام داده اند .
 عبدالملك بن مروان كه قرآن را بی نهایت دوست داشت بر علاوه اصلاحات
 مزیدی كه در امور مملكت مرعی داشت آیات قرآنی را روی مسكوكات طبع
 كرد؛ در تصحیح نسخه ها كوشیده و قرائت و تفسیر قرآن را بی اندازه سهولت
 بخشیده است .

در بین امویها اگر چه (ولید) به معماری كسب شهرت نموده معینا دائما
 مردم را به از بر كردن قرآن مجید تشویق و به حفاظت مبانی لغوی اتمام تعیین
 و در بنامورد از حضرت عمر فاروق رضی بیرومی كرده است .

(عمر بن عبدالعزیز) نشر قرآن را - نخستین فریضه خود قرار داده بود .
 در زمان او دین و قرآن مهمترین مسئله حیات عمومی بحساب میرفت . در زمان خلافت
 او هر كس كه بیكی از دوستان خود مقابل می شد سوالات مهم او عبارت از اینها بود:
 «شب گذشته چند صفحه قرآن خواندی؟» «چند صفحه از بر نمودی؟»
 قرآن را چه وقت ختم میکنی؟ یا درین ماه چند روز روزه داشتی؟»

«باقیدارد» مترجم محمد شفیع رهگذر